

## سبک های دلبستگی، جنسیت، رضایت زناشویی

مختار عارفی<sup>۱</sup>

شکوه نوایی نژاد<sup>۲</sup>

عبدالله شفیع آبادی<sup>۳</sup>

علیرضا کیامنش<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: آذر ماه 1390

تاریخ پذیرش: خرداد ماه 1391

### چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش سبک های دلبستگی و جنسیت در پیش بینی رضایت زناشویی بود. نمونه پژوهش تعداد 266 نفر (125 مرد، 141 زن) والدین دانش آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی شهر کرمانشاه در سال 1390 بودند که به طور تصادفی انتخاب شدند. پرسش نامه مقیاس تجربه روابط نزدیک و خرده مقیاس های رضایت زناشویی مقیاس سازگاری زناشویی اسپاینر و پرسشنامه انریچ روی شرکت کنندگان اجرا شدند. نتایج نشان داد بین سبک های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. تحلیل رگرسیون چند گانه نشان داد سبک های دلبستگی و جنسیت رضایت زناشویی را به طور معناداری پیش بینی کردند. سبک دلبستگی اجتنابی

---

1 دانش آموخته دکترای مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

2 گروه تخصصی مشاوره و راهنمایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

3 گروه تخصصی مشاوره و راهنمایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

4 گروه تخصصی مشاوره و راهنمایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

با شدت بیشتری رضایت زناشویی را پیش بینی نمود. رضایت زناشویی ادراک شده در مردان بیشتر از زنان بود.

**واژگان کلیدی:** رضایت زناشویی، سبک های دلبستگی، جنسیت، والدین کرمانشاهی

#### مقدمه:

بالبی واضع نظریه دلبستگی بر این باور بود دلبستگی، نظامی رفتاری است که در جهت بر آورده سازی ضرورت های زیست شناختی بقای فرد عمل می کند و از این نظر همسان با نیاز اساسی به غذا و آب است (اینسورث<sup>1</sup>، 1989). بالبی طی زمان به این نتیجه رسید که سبک دلبستگی فرد در یک رابطه خواه ایمن یا نا ایمن قویاً متأثر از بر خورد یکی از والدین، عموماً مادر یا هر فرد مراقب دیگر است و این اثر منحصر به دوره نوزادی نیست، بلکه سراسر مراحل حیاتی تحول از جمله نوجوانی را شامل می شود (عارفی، 1387). در همین راستا هازان و شیور<sup>2</sup> (1987) نظریه دلبستگی بزرگسال را بر اساس اصول نظریه دلبستگی بالبی و اینزورث تدوین کردند تا نشان دهند که چگونه روابط دلبستگی کودک و مادر منجر به تفاوت هایی در ابعاد روان شناختی و اجتماعی از افراد از روابط عاشقانه بزرگسالی می شود و نوع انتظارات آنان را در این رابطه شکل می دهد. بر اساس سبک شناسی دلبستگی در نظریه اینزورث، هازان و شیور سبک های دلبستگی بزرگسالی را به سبک ایمن، اضطرابی (مضطرب دوسوگرا) و اجتنابی طبقه بندی کردند. از زمان ایجاد این سنجش دلبستگی، در جهت بهبود سنجش سبک های دلبستگی تلاش های زیادی شده است. که در این میان دو سنجه بعدی- پیوستاری از سبک های دلبستگی پذیرفته و پیاپی در پژوهش ها به کار گرفته شده است (از جمله بارثولوميو<sup>3</sup>، 1990؛ برن، کلارک و شیور<sup>4</sup>، 1998؛ اُزمن و اتیک<sup>1</sup>، 2010). برن و دیگران (1998) دو

<sup>1</sup>. Ainsworth

<sup>2</sup>. Hazan, & Shaver

<sup>3</sup>. Bartholomew

<sup>4</sup>. Brennan, Clark, & Shaver,

عامل اجتنابی و اضطرابی را در تحلیل عامل به دست دادند. این دو بعد سبک دلبستگی را به عنوان الگوی تمرکز بر "خود" (دلبستگی اجتنابی) و الگوی تمرکز بر "دیگران" (دلبستگی اضطرابی) مفهوم سازی می کند. افراد اجتنابی، دفاعی و طردکننده بوده، در روابط عدم درگیری و عقب نشینی عاطفی را پیشه می کنند. آنها نه خود و نه دیگران را در مواقع پریشان حالی قابل دسترس نمی بینند (ماتویس، 2010<sup>۲</sup>؛ عارفی، 1389). از طرف دیگر میزان تمایل شخص به تحدید صمیمیت خویش و ترجیح عدم وابستگی روان شناختی و عاطفی به دیگران بیانگر اجتنابی بودن است (سیمپسون<sup>۳</sup> و دیگران، 2002). اضطرابی به میزان نگرانی شخص از دسترس ناپذیر بودن دیگران برای وی یا ترس از ترک و رهایی گفته می شود (سیمپسون و دیگران، 2002).

علیرغم گوناگونی ها در سنجش دلبستگی، مطالعات از اهمیت رفتار مادر (یا مراقب نخستین) در تحول الگوهای فعال دلبستگی و اثرات این الگوها بر روابط بعدی فرد حمایت کرده اند. برای نمونه کولینز<sup>۴</sup> (1996) بررسی نمود که چگونه بزرگسالان با سبکهای دلبستگی گوناگون، رویدادها و تجارب رابطه ای را همخوان با باورها و انتظارات شان از خود و دیگران، تبیین و تعبیر می کنند. او دریافت افراد ایمن انتظارات مثبت تر که بر اعتماد به طرف مقابل تأکید دارد را نشان می دهند. سیری و کوبک<sup>۵</sup> (1998) به نقل از لیبرمن و همکاران، (1999) افراد ایمن از خود، گرمی و صمیمیت نشان می دهند، همچنین به جنبه های مثبت و منفی خود هشیاری کامل دارند و در اکتشافگری جسور و ریسک پذیرند، از دگر دست، افراد با سبک دلبستگی نایمن، تعابیر و رفتارهای منفی و پریشانی عاطفی را گزارش کرده اند.

---

1. Özmen & Atik

2. Matthews

3. Simpson,

4. Collins,

5. Sceery & Kobak

ازدواج در زمره تکالیف و سنت هایی است که از دیر باز در جوامع بشری مورد توجه بوده است. زندگی متأهلی از جمله مقاطع چالش انگیز و گاه تنش زای دوران حیات هر فرد به حساب می آید. دیویس<sup>1</sup> (2004) گذار به زندگی متأهلی را از مشکل ترین مراحل انتقالی زندگی می داند. پژوهش های گوناگون تأیید کرده اند افراد موقعی که ازدواج می کنند عموماً شادتر و سالم تر هستند (گاتمن<sup>2</sup>، 1994؛ وایت و بوث<sup>3</sup>، 1994). در حالی که به نظر می رسد ازدواج رابطه ای بسیار دلنشین است، لیکن آمارهای فزاینده طلاق از آن حکایت می کند که رضایت زناشویی آسان به دست نمی آید یا دست کم همراه با مشکلات گوناگونی است. آمارهای منتشر شده در داخل کشور نسبت طلاق را 12/5 درصد اعلام کرده اند، یعنی به ازای هر 7 ازدواج یک طلاق روی می دهد بر اساس همین آمار، کرمانشاه از استان های پرخطر در این زمینه می باشد طوری که نسبت ازدواج به طلاق آن 6/4 به 1 می باشد (سایت سازمان ثبت احوال، 1389).

رضایت زناشویی از دیر باز مورد توجه مؤلفان و پژوهشگران بوده است. کثرت پژوهش ها، نوشته ها و مقالات منتشر شده پیرامون رضایت زناشویی طی دهه اخیر و دهه های قبل از آن مؤید این توجه است. در همین راستا هولمن<sup>4</sup> (2002) مدلی مفهومی برای عوامل پیش بین رضایت زناشویی پیشنهاد می کند که بر اساس آن چهار دسته عوامل یعنی (1) عوامل خانواده اصلی، (2) خصیصه های فردی، (3) فرایندهای تعامل زوجی و (4) شبکه و بافت اجتماعی کیفیت زناشویی را پیش بینی می کنند پژوهش های گوناگون بسیاری از این متغیرها را بررسی کرده اند.

در این زمینه رابطه سبک های دلبستگی و جنبه های مختلف روابط زناشویی دارای جایگاه مستحکمی در ادبیات پژوهشی است. مطالعات به کرات نشان داده اند که تفاوت های

---

1. Davis

2. Gottman

3. White & Booth

4. Holman

افراد در خودسنجی های دلبستگی با کارکرد و کیفیت روابط زناشویی مرتبط بوده است (فینی<sup>۱</sup>، 1999؛ رجع شود به مرور فولر و فینچام<sup>۲</sup>، 1995؛ گالو و اسمیت<sup>۳</sup>، 2001). در روابط زناشویی افراد با سبک دلبستگی ایمن نسبت به افراد اجتنابی یا اضطرابی رضایت زناشویی بیشتری گزارش نمودند (فولر و فینچام، 1998). در همین راستا پژوهش های دیگری نتیجه گیری کردند سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد (بانسی<sup>۴</sup>، 2004؛ رولس<sup>۵</sup> و همکاران، 2001). آژمن و اتیک (2010) دریافتند افراد با سبک دلبستگی اجتنابی نمرات پایین تری در سازگاری زناشویی ادراک شده داشتند. فینی (1994) نیز دریافت که بین سبک دلبستگی اضطرابی با رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد.

علاوه بر نقش سبک های دلبستگی بر رضایت زناشویی، جنسیت می تواند به عنوان عامل واسطه ای بر سازگاری زناشویی اثر بگذارد. در مورد نقش جنسیت به عنوان متغیر اثرگذار بر سازگاری زناشویی نتایج متناقضی وجود دارد. برای نمونه برگ<sup>۶</sup> و همکاران (2001) دریافتند بین جنسیت و رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد در حالی که در مطالعه بین فرهنگی کالامپالی<sup>۷</sup> و دیگران (2007) جنسیت نتوانست رضایت زناشویی را تبیین کند. از این رو هدف این مطالعه پیش بینی رضایت زناشویی از روی سبک های دلبستگی و جنسیت بود.

فرضیه های پژوهش

- بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد.
- بین سبک دلبستگی اضطرابی و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد.

1. Feeney

2. Fuller, & Fincham

3. Gallo & Smith

4. Banse

5. Rholes

6. Berg

7. Kallampally

- میزان رضایت زناشویی در زن و مرد متفاوت است.
- سبک دلبستگی و جنسیت می توانند رضایت زناشویی را پیش بینی کنند.

## روش

الف) شرکت کنندگان. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان و مردان متأهل کرمانشاهی می باشند که در سال 1390 در شهر کرمانشاه زندگی می کنند و از مدت ازدواج آنها حداقل یک سال و حداکثر 20 سال گذشته باشد و دارای حداقل یک فرزند باشند. همچنین این افراد نباید از قبل ازدواجی دیگر کرده باشند و هم اکنون نیز در متارکه یا در حال طلاق نباشند.

به منظور تعیین نمونه از شیوه نمونه گیری خوشه ای استفاده شد. افراد نمونه والدین دانش آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه یک شهر کرمانشاه بودند. به منظور شناسایی افراد از تعداد 27 مدارس ابتدایی و 26 راهنمایی پسرانه ناحیه یک تعداد 5 مدرسه ابتدایی و 5 مدرسه راهنمایی به قید قرعه انتخاب شده و سپس تعداد 10 کلاس ابتدایی و 10 کلاس راهنمایی به طور تصادفی انتخاب شدند. با هماهنگی مدیر مدرسه اولیای دانش آموزان هر مدرسه در جلسه ای به مدرسه دعوت شدند و افرادی دارای شرایط و داوطلب به همکاری انتخاب می شدند. تعداد نمونه 300 نفر زن و مرد (حدالمقدور به سهم مساوی) تعیین شد. نهایتاً تعداد 266 نفر (125 مرد، 141 زن) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ب) ابزار. به منظور اندازه گیری متغیرها با مرور اجرای ابزارهای سنجشی این حوزه سعی شد از شایعترین و مناسب ترین ابزارها استفاده شد. برای سنجش رضایت زناشویی از مقیاس رضایت زناشویی اینریچ و مقیاس سازگاری زناشویی (اسپاینر، 1989)، و سبک‌های دلبستگی از مقیاس تجربه روابط نزدیک (برنن، کلارک و شیور 1998) استفاده شد.

مقیاس سازگاری زناشویی<sup>۱</sup> توسط اسپاینر (1976) به عنوان نسخه اصلاحی مقیاس سازگاری زناشویی لاک-والیس<sup>۲</sup> معرفی شد. این ابزار 32 سؤالی روایی محتوایش توسط هیأتی سه نفره از داوران تأیید شد و روایی ملاک محور آن با قدرت تشخیص در جدا سازی افراد متأهل از مطلقه، متأهل از زندگی مشترک، همنجسگرا از دگرجنس خواه و تفاوت های زوجهای بچه دار از بدون فرزند تأیید گردید (اسپاینر، 1989). اسپاینر (1976) نقطه برش 100 را برای تمییز زوجهای درمانده از غیردرمانده به کار برد. روایی سازه از طریق استفاده از آن در بیش از 1000 مطالعه و روایی همگرای آن به واسطه رابطه اش با مقیاس سازگاری زناشویی لاک-والیس ( $r=0/86$ ) مورد تأیید واقع شده است (فوورس<sup>۳</sup>، 1990).

اسپاینر (1976) خرده مقیاس های این پرسش نامه را شامل: رضایت زناشویی، توافق، همبستگی (احساس تعلق)، و ابراز عاطفی می داند که هر چهار تای این عوامل، مقیاس سازگاری زناشویی را اندازه گیری می کنند.

پرسشنامه انریچ: پربرسازی و تقویت رابطه، ارتباط و خشنودی<sup>۴</sup> توسط اولسون، فورنیر و دارنکمن<sup>۵</sup> (1982) تدوین شده است و شامل 115 ماده می باشد، که از 12 خرده مقیاس تشکیل یافته است. پاسخ به ماده ها به روش لیکرت و به صورت 5 گزینه ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می باشد. نمره گذاری این پرسشنامه به ترتیب 1، 2، 3، 4، 5 است. به علاوه، تعدادی از ماده ها به صورت معکوس نمره گذاری می شوند، و حداقل و حداکثر نمره به ترتیب 47 و 235 است. در این پرسشنامه بالا بودن نمره، بیانگر رضایت از روابط زناشویی و پایین بودن نمره بیانگر نارضایتی از این روابط است. اولسون (1989) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را 0/92 به دست آورد، که بیانگر

1. dyadic adjustment scale

2. Locke.Wallace

3. Fowers

4. ENRICH: Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness

5. Olson, Fornier & Druckman

همگونی ماده‌های این ابزار اندازه‌گیری است. در این پژوهش ضریب پایایی آلفای کرونباخ پرسشنامه رضایت زناشویی در کل نمونه 0/90 می‌باشد، که نشان می‌دهد ماده‌های پرسشنامه فوق همگون و هماهنگ هستند. خرده‌مقیاس رضایت زناشویی از این پرسشنامه استفاده شد.

### رضایت زناشویی

به منظور سنجش متغیر ملاک در این پژوهش از مجموع نمرات خرده‌مقیاس رضایت زناشویی مقیاس سازگاری زناشویی اسپاینر و خرده‌مقیاس رضایت زناشویی پرسشنامه انریچ استفاده خواهد شد. اسپاینر (1989) برای این خرده‌مقیاس دامنه‌ای از ضرایب آلفا (0/77-0/94) و میزان پایایی آزمون-بازآزمون 0/92 را بعد از 11 هفته گزارش کرد. برای خرده‌مقیاس رضایت زناشویی اینریچ ضریب آلفای همسانی درونی 0/81 و نمره پایایی آزمون-بازآزمون 0/86 گزارش شده است (اولسن و دیگران، 1982).

### مقیاس تجربه روابط نزدیک<sup>1</sup> (ECR)

ابزاری که به منظور اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی بکار برده می‌شود، مقیاس تجربه روابط نزدیک می‌باشد که توسط برنن، کلارک و شیور در سال (1998) طراحی شده است. این ابزار بر مبنای نظریه بارثولومیو در زمینه سبک‌های چهارگانه دلبستگی طراحی شده است. در زمینه‌ی روایی محتوایی ابزار فوق می‌توان به این نکته اشاره نمود که سبک‌های چهارگانه دلبستگی بر دو محور اضطراب و اجتناب استوار شده است. در مواقعی که اضطراب و اجتناب بالا باشد افراد با سبک دلبستگی اجتناب‌گر ترسان شناخته می‌شود و اگر اضطراب و اجتناب پایین باشد افراد با سبک دلبستگی ایمن مطرح می‌گردند. همچنین اضطراب پایین و اجتناب بالا معرف سبک دلبستگی اجتناب‌گر نفی‌کننده و اضطراب زیاد و اجتناب کم نشان‌دهنده سبک دلبستگی دلمشغول است. هر

<sup>1</sup> . The experience in close relationship scale



چند که محور اجتناب و اضطراب دارای مقیاس فاصله‌ای است ولی بر اساس نقطه برش با چهار سبک دلبستگی سروکار داشته که به گونه‌ای دقیق می‌تواند سبک‌های دلبستگی را اندازه‌گیری نماید. این پرسشنامه دارای 36 گویه بوده که بر اساس مفروضات مقیاس‌های عینی با تاکید بر طیف ترستون از دامنه یک تا هفت، مورد نمره‌گذاری قرار می‌گیرد و تعداد 18 سوال آن مربوط به محور اضطراب و 18 سوال دیگر مربوط به محور اجتناب می‌باشد. این پرسش نامه بر اساس پژوهش‌های قبلی اعتبار خوبی (آلفای کرنباخ 0/89 تا 0/94) را کسب کرده است و و طی سه هفته بازآزمایی ضریب اعتبار 0/90 تا 0/95 برای آن گزارش شده است (فریلی<sup>1</sup> و دیگران، 2000). مطالعات مربوط به رواسازی ابزار (برنن و دیگران، 1998؛ فریلی و دیگران، 2000) نشان داده که این پرسش نامه از روایی سازه قوی برخوردار است.

فرم کوتاه ECR شامل 12 ماده از نسخه اصلی (36 ماده ای) است. وی<sup>2</sup> و دیگران (2007) مدعی هستند طی 6 مطالعه جداگانه یک ساختار عاملی پایدار هسمانی درونی قابل قبول، پایایی آزمون - باز آزمون و روایی سازه را برای فرم کوتاه بدست آورده اند. به علاوه مدعی هستند خصیصه های روان سنجی این فرم با نسخه 36 ماده ای برابری می کند فرم کوتاه دارای 6 ماده برای سبک دلبستگی اجتنابی و 6 ماده برای سبک دلبستگی اضطرابی است بدون اینکه ویژگی های روان سنجی فرم بلند را از دست دهد. ضرایب آلفای هسمانی درونی از 77٪ تا 86٪ برای خرده مقیاس اضطراب و 87٪ تا 88٪ برای خرده مقیاس اجتناب بدست آمده پایایی آزمون - باز آزمون مناسبی (اجتناب  $r=0/83$  و اضطراب  $r=0/80$ ) طی یک ماه نیز حاصل شد. شواهد برای روایی سازه نشان داد ارتباط مثبتی بین دلبستگی اضطرابی و اطمینان طلبی مفرط<sup>3</sup> وجود دارد. این نتیجه همخوان با نظریه دلبستگی است که پیش بینی می کند افراد با سطوح بالای دلبستگی اضطرابی به شدت به تاییدات اجتماعی دیگران وابسته هستند (لوپز و برینن<sup>4</sup>، 2000

1. Fraley

2. wei

3. excessive reassurance seeking

4. Lopez & Brennan

نقل شده در وی و دیگران، (2007) همچنین بین سبک دلبستگی اجتنابی فرم کوتاه با ترس از صمیمیت و راحتی در خود افشایی، رابطه منفی وجود داشت. از طرف دیگر بین هر دو سبک اجتنابی- اضطرابی با درماندگی روان شناختی ارتباط مثبت گزارش شده است (وی و دیگران 2007).

جدول 1 میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین(انحراف استاندارد)		
	کل	مرد	زن
رضایت زناشویی	55/45 (12/91)	57/49 (12/63)	53/63 (12/92)
دلبستگی اجتنابی	14/25 (6/75)	12/8 (6)	15/55 (7/13)
دلبستگی اضطرابی	22/47 (6/02)	21/27 (5/89)	23/53 (5/96)

جدول 1 میانگین ها و انحراف استانداردهای متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می دهد. میانگین و انحراف استاندارد رضایت زناشویی زن و مرد به ترتیب (12/92) 53/63 و (12/63) 57/49 بود. همچنین میانگین و انحراف استاندارد سبک های دلبستگی به تفکیک جنس گزارش شده است.

جدول 2 مقایسه میانگین های رضایت زناشویی زن و مرد

متغیر	گروه ها	میانگین(انحراف استاندارد)	درجه آزادی	t	معناداری
رضایت زناشویی	زن	53/63 (12/92)	264	2/45	0/01
	مرد	57/49 (12/63)			

جدول 2 اطلاعات مربوط به تفاوت میانگین های رضایت زناشویی زن و مرد را نشان می دهد. همچنان که جدول نشان می دهد تفاوت میانگین های رضایت زناشویی زن و مرد معنادار است ( $t=2/5, p<0/01$ ) و این تفاوت به نفع مردان است.

جدول 2 ضرایب همبستگی رضایت زناشویی و سبک های دلبستگی

ضرایب همبستگی (معناداری)		
3	2	1
		1. رضایت زناشویی
		2. دلبستگی اجتنابی
		3. دلبستگی اضطرابی
	0/619 (0/001)	-0/390 (0/001)
	0/371 (0/001)	

جدول 1 ضرایب همبستگی نمرات رضایت زناشویی و سبک های دلبستگی را نشان می دهد. همچنان که جدول نشان می دهد بین رضایت زناشویی و دلبستگی اجتنابی رابطه منفی وجود دارد ( $r = -0/619$ ،  $p < 0/001$ ). همچنین بین رضایت زناشویی و دلبستگی اضطرابی رابطه منفی وجود دارد ( $r = -0/390$ ،  $p < 0/001$ ). رابطه بین دلبستگی اضطرابی و دلبستگی اجتنابی مستقیم و معنا دارست ( $r = 0/371$ ،  $p < 0/001$ ).

جدول 3 پیش بینی رضایت زناشویی

مدل							
F	R <sup>2</sup>	R	P	$\beta$	SE	B	
61/53	0/413	0/643				رضایت زناشویی	
			001	-0/550	0/098	-1/051	دلبستگی اجتنابی
			0/001	-0/186	0/110	-0/339	دلبستگی اضطرابی
			0/001	-0/002	1/25	-0/06	جنسیت

جدول 3 پیش بینی رضایت زناشویی را از روی سبک های دلبستگی و جنسیت نشان می دهد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می دهد ضریب رگرسیون چندخطی معنادارست ( $R=0/643$  ،  $R^2=0/413$  ،  $F(3,262)=61/53$  ،  $p<0/001$ ). همچنان که جدول نشان می دهد . بر این اساس ضریب همبستگی چندگانه بین ترکیب خطی سه متغیر پیش بین و رضایت زناشویی 0/64 بود. این سه متغیر پیش بین با هم 0/41 واریانس رضایت زناشویی را تبیین می کنند. همچنان که جدول نشان می دهد به ازای هر واحد افزایش در نمرات دلبستگی اجتنابی، نمرات رضایت زناشویی 0/55 واحد کاهش می یابد. همچنین به ازای هر واحد افزایش در نمرات سبک اضطرابی، نمرات رضایت زناشویی 0/186 واحد کاهش می یابد.

### بحث و نتیجه گیری:

هدف این پژوهش بررسی رابطه سبک های دلبستگی افراد با رضایت زناشویی در زوجهای کرمانشاهی بود. نتایج نشان داد افرادی که نمرات پایین تری در سبک دلبستگی اجتنابی کسب می کنند تمایل دارند در رضایت زناشویی ادراک شده نمره بیشتری به خود بدهند. این یافته مؤید نتایج پژوهش های پیشین می باشد که ارتباط بین سبک های دلبستگی و رضایت زناشویی را گزارش کرده اند. در بیشتر این یافته ها قویاً تایید شده بود که افرادی که به راحتی صمیمی می شوند و کمترین اضطراب را در روابط خویش تجربه می کنند، رضایت زناشویی بیشتری را گزارش کرده اند (فینی، 1999؛ 1994؛ بانسی، 2004) و سازگاری خانوادگی بهتری داشتند (میکولنسر و فلورین<sup>1</sup>، 1999). وقتی به سهم هر کدام از سبکهای دلبستگی اجتنابی و اضطرابی توجه شد یافته های این پژوهش نشان داد سبک دلبستگی اضطرابی به طور قوی تری می تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کند. نوفتل و شیور<sup>2</sup> (2006) دریافتند سبک دلبستگی اجتنابی رابطه منفی با رضایت زناشویی داشته و به طور قوی تری کیفیت رابطه زناشویی را پیش بینی می کند. همچنین نتایج

<sup>1</sup> . Mikulincer, & Florian

<sup>2</sup> . Nofhle, & Shaver

این پژوهش در حمایت از پژوهش های پیشین تایید کرد بین سبک دلبستگی اضطرابی و کیفیت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. مطالعه فیینی (1994) نشان داد زوجهای اضطرابی رضایت زناشویی پایین تری داشته و زوجهای با سبک دلبستگی ایمن رضایت زناشویی بیشتری گزارش کردند.

سوال دیگری که در این پژوهش مطرح شده بود اثر تفاوت های جنسیتی بر رضایت زناشویی بود. نتایج نشان داد رضایت زناشویی در مردان بیش تر از زنان است. نتایج این پژوهش موید مطالعه بین فرهنگی کالامپالی و دیگران (2007) که در نمونه آمریکایی های آسیایی-هندی انجام داده بود و مطالعه اُزن و اتیک (2010) که در جامعه ترکیه ای بررسی شده بود. در تبیین این تفاوت می توان به نقش های جنسیتی سنتی توجه نمود که بر اساس آن در جوامع متمایل به مرد سالاری، مرد در رأس تصمیم گیری و قدرت در خانواده است و به تبع تمایل به لحاظ نمودن علایق و ترجیحات خویش دارد. جیونگ (2005) خاطر نشان می سازد مردان از نقش های جنسیتی سنتی به خاطر آزادی های بیشتر متنفع ترند. اُزن و اتیک (2010) بحث می کنند در روابط زناشویی سنتی در تساوی طلبی نقش ها و حقوق طرفین انعطاف پذیری کمتری وجود دارد و کمتر به نیازها و انتظارات زن پرداخته می شود و محدودیت در بیان عاطفی وجود دارد. نتایج این پژوهش در چندین حوزه می تواند مورد توجه واقع شود. نخست در حوزه درمان زناشویی، به مشاوران زناشویی کمک می کند تا زوجهایی را که تعارضاتی در روابط با همسر خویش تجربه می کنند نسبت به سبک دلبستگی خویش و تأثیرش در روابط زناشویی آگاه سازند. در حوزه پیشگیری توجه به سبک دلبستگی افراد می تواند سرخ هایی از ظرفیت های ارتباطی و کفایت صمیمیت زناشویی بعدی فرد را فرا روی مشاوران پیش از ازدواج قرار دهد. این پژوهش دارای محدودیت هایی نیز بوده است که از جمله می توان به عدم تعمیم پذیری آن به سایر جمعیت ها و زوجین، عدم توجه به مساله سن و طول ازدواج و بسنده کردن به اطلاعات خودسنجی اشاره نمود.

## کتابنامه:

- عارفی، مختار. (1378). رابطه سبک های دلبستگی و کیفیت دوستی نوجوانان کرمانشاهی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سایت سازمان ثبت احوال. (1389). <http://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=1436>
- Ainsworth, M. D. S., & Bowlby, J. (1991). An ethological approach to personality development. *American Psychologist*, 46, 331-341.
- Matthews, S. U. (2010). Adult attachment styles: relationships with marital and sexual satisfaction. A THESIS Presented to the Department of Social Work California State University, Long Beach
- Banse, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 273-282.
- Bartholomew, K. (1990). Avoidance of intimacy: An attachment perspective. *Journal of Social and Personal Relationships*, 7, 147-178.
- Berg, E. C., Trost, M., Schnider, I. E., & Allison, M. T. (2001). Dyadic exploration of relationship of leisure satisfaction, leisure time, and gender to relationship satisfaction. *Leisure Sciences*, 23, 35-46.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. I: Attachment*. New York: Basic Books.
- Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. In L. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 46-76). New York: Guilford Press.
- Cheung, M. (2005). A cross-cultural comparison of gender factors contributing to long-term marital satisfaction: A narrative analysis. *Journal of Couple and Relationship Therapy*, 4(1), 51-78.
- Collins, N. L. (1996). Working models of attachment: Implications for explanation, emotion, and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 810-832.
- Davis, S. N., & Greenstein, T. N. (2004). Interactive Effects of Gender Ideology and Age at First Marriage on Women's Marital Disruption. *Journal of Family Issues*, 24(5), 658-682.

- Feeney, J. A. (1994). Attachment style, communication patterns, and satisfaction across the life cycle of marriage. *Personal Relationships, 1*, 333-348.
- Feeney, J. A. (1999). Adult attachment, emotional control, and marital satisfaction. *Personal Relationships, 6*, 169-185.
- Fuller, T. L., & Fincham, F. D. (1995). Attachment style in married couples: Relation to current marital functioning, stability over time, and method of assessment. *Personal Relationships, 2*, 17-34.
- Gallo, L. C., & Smith, T. W. (2001). Attachment style in marriage: Adjustment and responses to interaction. *Journal of Social and Personal Relationships, 18*, 263-290.
- Gottman, J. M. (1994). *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Griffin, D. W., & Bartholomew, K. (1994). The metaphysics of measurement: The case of adult attachment. In K. Bartholomew & D. Perlman (Eds.), *Advances in personal relationships: Vol 5. Attachment processes in adulthood* (pp. 17-52). London: Jessica Kingsley Publishers.
- Hamamc□, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Social Behavior and Personality, 33*(4), 313-328.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualised as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology, 52*(3), 511-524.
- Holman, T. B. (2002). *Premarital prediction of marital quality or break-up: Research, theory, and practice*. New York: Kluwer Academic/Plenum.
- Kallampally, G. A., Oakes, K. E., Lyons, H. Z., Greer, J. M., & Gillespie, C. K. (2007). Gender, psychological resilience, acculturation and spirituality as predictors of Asian Indian American marital satisfaction. *Journal of Spirituality in Mental Health, 10*(1), 35-52.
- Mikulincer, M., & Florian, V. (1999). The association between spouses' self-reports of attachment styles and representations of family dynamics. *Family Process, 38*, 69-83.
- Nofle, E. E., & Shaver, P. R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality, 40*, 179-208.

- Rholes, W. S., Simpson, J. A., Campbell, L., & Grich, J. (2001). Adult attachment and the transition to parenthood. *Journal of Personality and Social Psychology, 81*, 421-435.
- Simpson, A. J., Rholes, W. S., Oriña, M. M., & Grich, J. (2002). Working models of attachment, support giving, and support seeking in a stressful situation. *Personality and Social Psychology Bulletin, 28*, 598-608.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Nelligan, J. S. (1992). Support seeking and support giving within couples in an anxiety-provoking situation. *Journal of Personality and Social Psychology, 62*, 434-446.
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: A new scale for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family, 38*, 15-28.
- White, L. K., & Booth, A. (1991). Divorce over the life course: The role of marital happiness. *Journal of Family Issues, 12*, 5-21.